

همت کنید، آرزوهای دنیایی را کم کنید، کینه‌ها را از دل بیرون کنید، از پرحرفی خودداری نمایید؛ إن شاء الله امکان ادامه‌ی راه فراهم می‌شود

شماره پرسش: ۲۴۷۶۷

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۸/۵/۱۴ ۰۷:۲۳:۴۲

متن پرسش

با عرض سلام: بنده هر موقع رو به مطالعه کتب معرفتی مخصوصاً کتب شما می‌آورم همین که دارم و به جاهایی می‌رسم که احساس می‌کنم دارم به سکوی پرتاب نزدیک میشم، یک دفعه افکار مزاحم و شکاکیت میاد سراغم به گونه ای که خودمم متحیر میشم که این فکرها دیگه چیه، و حس از خودم می‌پرسم چرا این فکرها الان اومده سراغم؟ حالا که دارم به جاهای خوب می‌رسم، این حیرت و چراها و این افکار بدجور منو آزار میده و یجوری قبض روحی و اضطراب در من ایجاد می‌کنه و منو از مسیر اصلی منحرف میکنه، نمیدونم چیکار کنم که بتونم از این فکرها و اوهام و شکیات عبور کنم، چون مطمئنم اگه عبور کنم حتما به اوج می‌رسم، نمیدونم القا این افکار و این شکاکیت از طرف شیطان یا نه خود نفس اماره منه که میخواد منو از مسیر منحرفم کنه و یه جور یاس و ناامیدی و سوءظن به خداوند در من ایجاد کنه، خلاصه نمی‌دونم چطور از این افکار و وهمیات و شکاکیت عبور کنم، لطفا بنده رو راهنمایی بفرمایید و یه راه حل اساسی جهت عبور از این حالت سرگردانی و اضطراب و حیرت پیش پای بنده قرار بدید، در ضمن بنده کتاب ادب عقل و خیال و قلب رو هم خوندم. بسیار ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به گفته‌ی جناب مولوی: «آب گِل خواهد که بر دریا رود / گِل گرفته پای او را می‌کشد». معلوم است وقتی بناست حرکتی صورت بگیرد، خُلقیاتِ قبلی سر بر می‌آورد و خود را نشان می‌دهد. اگر آب، قصد رفتن به سوی دریا را نمی‌کرد که گِل، خودنمایی نمی‌نمود! این شک‌ها و سوءظن‌ها اگرچه بد است ولی حکایت از این دارد که حرکتی در حال صورت‌گرفتن است. همت کنید، آرزوهای دنیایی را کم کنید، کینه‌ها را از دل بیرون کنید، از پرحرفی خودداری نمایید؛ إن شاء الله امکان ادامه‌ی راه فراهم می‌شود. موفق باشید